

قضازدایی در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان

نفیسه زائری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان

نام نویسنده مسئول:

نفیسه زائری

چکیده

کودکان و نوجوانان مهم ترین سرمایه های آینده یک کشور هستند. با توجه به این موضوع که ایران جامعه ای جوان قلمداد می شود دولت باید به مسائل پیش روی کودکان و نوجوانان دقت نظر خاصی داشته باشد. یکی از موضوعات بسیار مهم بحث بزهکاری اطفال و نوجوانان است. برخورد و پاسخ به نوجوانان معارض با قانون باید به شکل ویژه و متمایزی نسبت به بزرگسالان انجام شود تا در آینده باعث ورود صدمات روحی و روانی جبران ناپذیر به آنها نشود. باید توجه داشت که همیشه واکنش های رسمی به نوجوانی که مرتکب نقض قانون می شوند حافظ منافع عالیه آنها نمی باشد و حتی ممکن است احتمال درگیری آنها در رفتارهای مجرمانه را افزایش دهد، زیرا تماس با نظام دادرسی اطفال سبب بدنامی نوجوانان و در نتیجه محدودیت فرصت های مشروع و قانونی وی و شرکت در فعالیت های متعارف می گردد. به علاوه برچسب مجرمانه ممکن است او را از معاشرت با دوستان و همسالان تابع قانون محروم کند و سبب طرد و منزوی شدن او گردد و بدین ترتیب احتمال پیوستن به همسالان درگیر در رفتار مجرمانه و پیوستن به گروه های بزهکار و فعالیت های بزهکارانه او را در آینده افزایش دهد. بنابراین در تحقیق پیش رو برآن هستیم تا شرایط و برنامه هایی که کودکان و نوجوانان را از گردانه نظام کیفری خارج می کند بررسی نماییم و به این سوال پاسخ دهیم که چالش های نظام قضازدایی فعلی در حوزه اطفال و نوجوانان چیست؟ پس از بررسی نتیجه حاصله بدین شرح بود که نظام قضازدایی عامی در کشور ایران حاکم است اما با توجه به حساسیت کودکان نیاز است تا در نظام کیفری اطفال از تمام ظرفیت های اجتماعی استفاده کنیم و برنامه های قضازدایی را گسترش دهیم.

واژگان کلیدی: قضازدایی، اطفال و نوجوانان، عدم برچسب زنی.

مقدمه

الف. مفهوم قضا‌دایی

پاسخگویی به شیوه‌ای که نوجوانان معارض با قانون را از فرآیند رسمی دادرسی خارج کند قضا‌دایی گفته می‌شود. به عبارت دیگر قضا‌دایی خارج ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی ناشی از جرم از گردونه اقدامات رسمی است. قضا‌دایی شکل‌های گوناگونی دارد: قضا‌دایی از نظر عدالت جنایی و پرهیز از درگیر شدن در تصمیم‌های دست اندرکاران این نظام، این نوع قضا‌دایی از نظام عدالت جنایی، تا اندازه‌ای به موافقت دست اندرکاران کلیدی این نظام مانند پلیس یا دادستان بستگی دارد (اصل مناسب بودن پیگرد) قضا‌دایی در مرحله اجرای محکومیت یا مجازات یا قضا‌دایی از زندان که این دو مورد ناگزیر یکسان و همانند نیستند.

ب. پیشینه‌ی قضا‌دایی در فرآیند دادرسی نوجوانان

تلاش‌ها برای قضا‌دایی کودکان از فرآیند دادرسی کیفری پیشینه طولانی دارد. پیش از به وجود آمدن نهادهای تادیبی ویژه نوجوانان، تمایز اندکی میان مجرمان بزرگسال و نوجوان وجود داشت. اگرچه قضات سن متهم را در هنگام تعیین مجازات در نظر می‌گرفتند اما نوع مجازات در مورد کودکان و بزرگسالان اغلب یکسان بود. گرچه از لحاظ تاریخی اغلب افراد مسئول اجرای قانون، رفتارهای غیرقانونی نوجوانان را چندان جدی نمی‌گرفتند و مسائل را خودشان به تنهایی یا با اخطار دادن به نوجوان حل و فصل می‌کردند. رفتار متفاوت با کودکان نشان از این عقیده بود که نوجوانان از جهات مختلف متفاوت از بزرگسالان هستند و این که مجازات‌های رسمی یا شدید به ندرت به نفع این مجرمان یا جامعه خواهد بود.

تمایل و توصیه‌های بین المللی مبنی بر درگیر نشدن کودکان و نوجوانان در نظام عدالت کیفری رسمی، متأثر از ایده اصلی مدل‌های رفاه مدار است که بیشتر ناظر بر مصلحت اطفال است و این مصلحت در ممانعت از ورود و یا تداوم حضور اطفال در نظام‌های رسمی تلقی شده است تا پیامدهایی چون برچسب زنی در این فرآیندها آنها را به مخاطره نیندازد. از این رو در جستجوی جایگزینی برای نظام رسمی عدالت کیفری است تا جرایم اطفال به واسطه تدابیر غیررسمی و عمدتاً جامعه محور مورد مواجه قرار گیرد. با پذیرش این تفکر طیف وسیعی از روش‌های تغییر مسیر در نظام‌های عدالت اطفال ایجاد شد تا به واسطه آنها کودکان و نوجوانان بزهکار به خدمات اجتماعی و یا سایر نهادهای اجتماعی تغییر مسیر داده شوند.

پ. مبانی قضا‌دایی

برنامه‌های قضا‌دایی، مانند سایر برنامه‌های نوجوانان، به واسطه یک سری مفاهیم نظری حمایت و پشتیبانی می‌شود. طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دیدگاه واکنش اجتماعی یا برچسب زنی تأثیر عمیقی بر سیاست اجتماعی داشته است. بر اساس نظریه برچسب زنی، جوانان ممکن است به دلایل گوناگون از جمله روابط خانوادگی ناسالم، ناپهنجاری‌های زیست شناختی یا روان شناختی، فشار همسالان، تجربیات یادگیری تأیید کننده بزهکاری، قانون را نقض نمایند. بدون توجه به علت بزهکاری، در صورتی که پلیس و یا مسئولان مدرسه، رفتار بزهکارانه یک نوجوان را شناسایی کنند، نوجوان متخلف یک برچسب منفی دریافت می‌کند، برچسبی که در طول زندگی با وی همراه خواهد بود. بسته به شدت این برچسب، متخلفان جوان در معرض مجازات‌های رسمی قرار می‌گیرند. از این رو نظریه پردازان واکنش اجتماعی برعکس نظریه پردازانی که معتقدند باید برای نوجوانان مجازاتی در نظر گرفته شود که مانع از تکرار جرم آنها شود خواستار حداقل مداخله نظام رسمی دادرسی برای جلوگیری از عواقب منفی برچسب زنی شده‌اند.

ت. شیوه‌های قضا‌دایی

قضا‌دایی می‌تواند از شیوه‌های مختلف بهره گیرد تا شخص وارد فرآیند قضایی نشود. استفاده از روش‌های سازش، داوری، میانجیگری، مذاکره، ارزیابی بی طرفانه به طور کلی و تعلیق تعقیب، تعلیق صدور حکم، معامله ی اتهامی، بایگانی پرونده، توبیخ و اخطار و... همگی می‌توانند روش‌هایی برای قضا‌دایی باشند.

راهکارهای قضا‌دایی به خروج طفل بزهکار یا منحرف کردن وی از دادرسی رسمی سنتی و صلاحیت فرآیند کیفری تلاش می‌کنند و معتقدند که باید با وی برخورد‌های مدنی-اداری، تربیتی و به ویژه اجتماعی صورت پذیرد. این روش‌ها طیفی از راهکارها را در برمی‌گیرد که در دادرسی دارای دوجنبه و جهت گیری متفاوت می‌باشد.

نخست: پرهیز از نظام دادرسی رسمی قبل از شروع دادرسی که به عنوان جایگزینی برای دادرسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دوم: پرهیز از بازداشت وحسب بزهکار بعد از شروع دادرسی و تغییر مسیر بزهکاران به عنوان جایگزینی برای حبس که در این مرحله سعی می‌گردد از بازداشت و حبس آنان جلوگیری شود.

ث. تدابیر قضازدایی در مرحله رسیدگی نوجوانان در قانون ایران

در حقوق ایران و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تدابیر و اقداماتی در نظر گرفته شده است که می‌تواند سبب قضازدایی و مانع ورود طفل یا نوجوان به روند رسمی رسیدگی شود که در زیر به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱. قرار تعویق صدور حکم

این قرار در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است که بر اساس آن در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایطی صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد که این شرایط عبارتند از:

- وجود جهات تخفیف

- پیش بینی اصلاح مرتکب

- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

- فقدان سابقه کیفری موثر (در مورد این شرط باید گفت که طبق ماده ۹۵ ق.م.ا محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است).

۲. قرار تعلیق اجرای مجازات

این قرار در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که بر اساس آن دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. البته لازم به ذکر است که در ماده ۴۷ ق.م.ا جرایمی احصا شده است که صدور قرار تعویق و تعلیق در مورد آنها امکان پذیر نمی‌باشد.

۳. قرار تعلیق تعقیب

این قرار در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است. به موجب این ماده (در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارات وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه ی محکومیت موثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند.

با توجه به اینکه جرایم تعزیری درجه هفت و هشت طبق ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شوند صدور قرار تعلیق تعقیب در این جرایم با قاضی دادگاه و در مرحله رسیدگی دادگاه خواهد بود.

۴. قرار بایگانی کردن پرونده

این قرار در مورد جرایم تعزیری درجه هفت و هشت می‌باشد که در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است. مطابق این ماده در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر نماید. با توجه به اینکه جرایم تعزیری درجه هفت و هشت به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود صدور این قرار در صورت وجود شرایط ماده ۸۰ با قاضی دادگاه خواهد بود.

۵. میانجیگری

یکی از نهادهایی که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده و در قانون سابق وجود نداشت ارجاع امر به میانجیگری می‌باشد. میانجیگری یکی از نهادهایی است که برای انجام امر قضازدایی بسیار مناسب و راهگشا می‌باشد به خصوص درباره اطفال و نوجوانان معارض با قانون که این شیوه می‌تواند بسیار موثر و مفید باشد. به موجب ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری: (در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت های مذکور در این ماده در صورت اقتضا فقط برای یکبار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه

محکومیت موثر کیفری باشد، مقام قضایی می تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. همچنین طبق تبصره این ماده بازپرس می تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجیگری را از دادستان تقاضا نماید. در ماده ۸۳ نیز بیان شده است که نتیجه ی میانجیگری به صورت مشروح و با ذکر ادله ی آن طی صورت مجلسی که به امضای میانجیگر و طرفین می رسد، برای بررسی و تایید و اقدامات بعدی حسب مورد نزد مقام قضایی مربوط ارسال می شود. در صورت حصول توافق، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آنها در صورت مجلس الزامی است.

۶. معافیت از کیفر

مطابق ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جرایم تعزیری درجه های هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود و در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

در میان تدابیر نامبرده شده ارجاع امر به میانجیگری می تواند مناسب ترین راهکار برای قضازدایی از بزهکاری اطفال و نوجوانان باشد زیرا به نظر می رسد در سایر موارد مانند تعلیق اجرای مجازات یا تعویق صدور حکم طفل و نوجوان وارد رسیدگی رسمی می شود و پس از آن است که قضازدایی اعمال می شود در حالی که هدف از قضازدایی جلوگیری کامل از ورود طفل یا نوجوان به دستگاه قضایی و ورود در مرحله رسیدگی رسمی می باشد، از طرفی تدابیر خاص قضازدایی که برای اطفال و نوجوانان باشد و فقط برای آنها و به صورت جداگانه اعمال شود در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری وجود ندارد و این تدابیری که ذکر شد جزء قواعد عام می باشد که می تواند برای نوجوانان هم به کار رود در حالی که بهتر بود تدابیر خاص و جداگانه برای قضازدایی اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شود. برای مثال در فصل دهم از بخش دوم قانون مجازات اسلامی که درباره مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان است و همچنین در قانون جدید آیین دادرسی کیفری در بخش رسیدگی دادگاه کیفری اطفال و نوجوانان بحثی از قضازدایی مطرح نشده است. بنابراین بهتر بود تدابیر جداگانه ای برای قضازدایی که مخصوص اطفال و نوجوانان باشد و نسبت به قواعد عام امکان سهولت بیشتری داشته باشد در قانون پیش بینی می شد تا بیشتر مسئله بزهکاری اطفال و نوجوانان از طرق غیرقضایی و به صورت جامعه محور حل و فصل شود و کمتر از طرق قضایی استفاده شود.

نتیجه گیری

واکنش مقتضی نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان از دغدغه های اساسی و مهم هر نظام جامعوی و کیفری می باشد. ورود طفل به فرآیند قضایی می تواند موجب معایبی همچون برچسب خوردن طفل یا نوجوان، ورود استرس ها و فشارهای روانی و قرار گرفتن در محیط های مجرمانه باشد که در نهایت علاوه بر نوجوان و خانواده وی، گریبانگیر جامعه خواهد شد و اطفال و نوجوانان را به سوی ارتکاب مجدد بزه های شدیدتر سوق می دهد. سیاست های قضازدایی در نظام کیفری ایران، همسو با آموزه های جرمشناسی و سیاست جنایی بین المللی، هم در مرحله ی پیش از محاکمه و هم در مرحله ی پس از محاکمه است. اقدامات ویژه ای در جهت اعمال اصل قضازدایی در مورد بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شده است. مواردی همچون میانجیگری، قرار تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده، قرار تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، معافیت از کیفر و مواردی از این دست در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. باید توجه داشت که مخاطب برنامه های موجود همه افراد است و صرفا شامل کودکان نمی شود اما نیاز است تا در نظام کیفری اطفال از تمام ظرفیت های اجتماعی مثلا مدرسه استفاده کنیم و برنامه های قضازدایی را گسترش دهیم.

منابع و مراجع

- [۱] خالقی، علی. آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، ۱۳۹۴
- [۲] رایجیان اصلی، مهرداد. کاربرد تدابیر قضازدایی درباره بزهکاران جوان، مجله علوم جنایی، ۱۳۸۶
- [۳] طاهریان، میلاد و محمد رضوانی، قضازدایی در عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با تاکید بر اسناد بین المللی، ۱۳۹۲
- [۴] غلامی، حسین. کیفرشناسی، نشر میزان، ۱۳۹۴
- [۵] معظمی، شهلا. دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، نشر دادگستر، ۱۳۹۴
- [۶] موذن زادگان، حسنعلی. تقریرات دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان، دانشگاه علامه طباطبائی، نیمسال دوم، ۱۳۹۵
- [۷] نیازپور، امیرحسن. پاسخ های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال، فصل نامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۸۹